

حادثه‌ها

قاتل فرزند فوتبالیست قدیمی پای چوبه دار

● ایستنه‌مردی که متهم به قتل فرزند یکی از فوتبالیست‌های قدیمی مازندران است امروز پای چوبه‌دار می‌رود. کامیار سالاریان مدیرعامل انجمن حمایت از زندانیان شهرستان نور گفت: درگیری در سال ۸۶ اتفاق افتاد که منجر به قتل «عبدالله حسین‌زاده» توسط فردی به نام «ب-ق» شد. وی افزود سیر رسیدگی به این پرونده حدود شش سال طول کشید تا اینکه قرار شد در آذرماه سال ۹۲ حکم قصاص قاتل اجرا شود، اما من به همراه رییس زندان شهرستان نور وساطت کردیم و اجرای حکم را دو، سه ماه به تأخیر انداختیم چراکه این موضوع با ماه محرم نیز مصادف شده بود. مدیرعامل انجمن حمایت از زندانیان شهرستان نور ادامه داد: بعد از آن قرار شد ۲۵ اسفند ۹۲ حکم قصاص اجرا شود ولی باز هم چسون این تاریخ در روزهای پایانی سال و نزدیک به ایام عید بود خواستیم زمان اجرای حکم به بعد از عید موکول شود. سالاریان با بیان اینکه در حال حاضر قرار شده صبح امروز حکم قصاص اجرا شود، گفت: ما از طریق انجمن حمایت از زندانیان شهرستان نور تلاش بسیاری برای اخذ رضایت انجام داده‌ایم و هر چند که اولیای دم خواستار اجرای حکم هستند امیودایم در نهایت رضایت بدهند. وی اظهار کرد: اولیای دم در این رابطه گفتند هر اتفاقی قرار است بیفتد پای چوبه‌دار خواهد افتاد. مدیرعامل انجمن حمایت از زندانیان شهرستان نور گفت: پدر مقتول از فوتبالیست‌های بنام شهرستان رویان است که یک مدرسه فوتبال نیز دارد. او روحیه ورزشکاری دارد و به همین دلیل امیودایم که از قصاص قاتل فرزندش گذشت کند.

هشدار پلیس

درباره سرقت با تقلید صدا

● مهر: رییس پلیس مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی گفت: کلاهبرداران با جعل صدای مشتریان بانک اقدام به سرقت از حساب آنها در تماس با بانک می‌کنند. سرهنگ فریدون رهبریان گفت: پرونده‌های متعددی در سال‌های ۹۱ و ۹۲ درخصوص کلاهبرداری از بانک‌ها با تقلید صدای صاحبان حساب‌ها تشکیل شد. در این روش کلاهبرداران با تقلید صدای مشتریان در تماس با بانک از کارمندان می‌خواهند اقدام به جابه‌جایی پول از حسابشان به حساب دیگر کنند. برخی از کارمندان نیز به دلیل اینکه فرد از مشتریان خوش‌حساب بانک است به صورت تلفنی اقدام به این کار می‌کنند و پس از مدتی مشخص می‌شود صاحب اصلی حساب هیچ تماسی را با بانک نداشته است. او ادامه داد: از آنجا که بانک از حقوقش گذشت نمی‌کند کارمند متخلف مقصر شناخته و برایش پرونده قضایی تشکیل می‌شود.

شرق: پسری نوجوان اواخر سال گذشته هنگامی که از طرف مدرسه به اردوی دانش آموزی رفته بود جان باخت و والدین او با اهدای اعضای بدن فرزندشان موافقت کردند. با پدر بارید خراسانی-دانش‌آموز جان‌باخته -گفت‌وگوی تاهای انجام داده‌ایم که می‌خوانید:

● ماجرا جطور اتفاق افتاد و شما چگونه از آن مطلع شدید؟
پسرم بارید کلاس سوم دبیرستان و جزو دانش آموزان المپیاد شیمی بود که در مدرسه غیرانتفاعی «اسلام ایران زمین» در مسی خوانده روز ۲۰ اسفند سال گذشته بود به من و همسرم گفت مدرسه‌اصرار دارد ما را به اردوی ۱۰ روزه ببرد و قرار نیست غیر از درس خواندن کار دیگری در آنجا انجام بدهیم. در نهایت بر خلاف میل‌مان با درخواست او موافقت کردیم و مادرش برای او رضایتنامه نوشت تا به این اردو برود. قرار بود معلمان در اردو برای بچه‌ها کلاس رفع اشکال برگزار کنند و ما با وجود نارضایتی از این اردو بارید را با پرداخت ۴۰۰هزار تومان به مدرسه راهی کردیم. روز اول همه چیز عالی بود اما روز دوم به ما زنگ زدند و گفتند آیا پسر شما سابقه تشنج دارد؟ ما جواب منفی دادیم و با تعجب و عجله راهی بیمارستان شدیم چون به ما گفتند که او تشنج کرده و در بیمارستان است. در بیمارستان از همان اول گفتند که وضع او اصلا خوب نیست و بارید ضربه مغزی شده است. در نهایت بارید فوت شد.

شرق: اعضای باند خانوادگی سرقت که در دزدی‌ها از عروسکی به عنوان نوزاد استفاده می‌کردند به دام افتادند.

به گزارش خبرنگار ما خبر دستگیری سه سارق شاهگاه پنجشنبه هفته گذشته به کلاتری یافت‌آباد اعلام شد. با حضور مأموران در محل و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد دو مرد همراه زنی جوان درحالی‌که قصد داشتند سوار بر پژو قرار کنند پس از انحراف خودرو از مسیر اصلی و اصابت با تیر چراغ برق، توسط مردم دستگیر شدند. مأموران در بازرسی اولیه از متهمان علاوه بر کشف سه افشانه اشک‌آور و همچنین اموال سرقت‌شده از مغازه فروش تجهیزات برقی، عروسکی را پیدا کردند که بنا بر اظهارات صاحب مغازه در زمان اجرای نقشه سرقت در اختیار عضو زن گروه سارقان قرار داشت و او اینگونه وانمود می‌کرد که عروسک، طفل واقعی است.

رسیدگی به این پرونده به پایگاه پنجم پلیس آگاهی محول شد و مالباخته در اظهارات خود به کارآگاهان گفت:

فرم درخواست اشتراک شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۳۲- ۸۸۸۱۴۳۳۰ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در خیابان میرزای شیرازی - نبش کوچه نهم- پلاک ۴۹- طبقه فوقانی بانک سپه

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۸۴۱۲۷۹

شرایط اشتراک

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۰ صبح می‌باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که درخواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود. توجه: لطفاً کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۳ ماهه	۶ ماهه	۹ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۷۵۰/۰۰۰	۱/۴۵۰/۰۰۰	۲/۱۵۰/۰۰۰	۲/۸۵۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ریال وجه نقد ☐ فیش ☐ چک ☐ بشرح زیر جهت اشتراک نسخه روزنامه شرق به‌نام ماه از مشترک شماره به نام دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ
نام و نام خانوادگی دریاقت کننده:	امضاء دریاقت کننده:					

توجه: لطفاً نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:

مدت اشتراک: ۳ ماهه ☐ ۶ ماهه ☐ ۹ ماهه ☐ ۱۲ ماهه ☐	کد اشتراک	تعداد نسخ اشتراک
نام:	نام‌خانوادگی:	نام موسسه:
آدرس دقیق:		امضای متقاضی:
کدپستی:	تلفن:	نمابر:

حوادث

پدر دانش‌آموز المپیادی مرگ مغزی در گفت‌وگو با «شرق»:

۷ عضو پسر م را اهدا کردیم

● ضربه مغزی جطور اتفاق افتاده

بود؟

وقتی ماجرا را از مسوولان مدرسه و همکلاسی‌های بارید پرس‌وجو کردیم فهمیدیم این اتفاق در نتیجه کوتاهی مسوولان مدرسه اتفاق افتاده است. ظاهرا ماجرا از این قرار بود که دانش‌آموزان باید مسافت کوتاهی را طی می‌کردند که شش‌نفر باید سوار

حادثه در روز دوم اردو یعنی ۲۱ اسفند اتفاق افتاد و روز ۲۶ اسفند اهدای عضو انجام شد و روز ۲۷ اسفند مراسم خاکسپاری را انجام دادیم.

به دلیل دیگری سقوط کرد و ضربه مغزی شد.

● شما بعد از مرگ پسر تان اعضای بدنش را اهدا کردید جطور شد که چنین تصمیمی گرفتید؟

بارید کارت اهدای عضو داشت و ما هم با توجه به خواسته او با موضوع موافقت کردیم. بعد از آنکه متوجه شدیم پسر م مرگمغزی شده است او را به بیمارستان مسیح دانشوری انتقال دادیم و در آنجا رفتار متفاوتی از پزشکان دیدم. تا قبل از آن پزشکانی با این شیوه خوب برخورد ندیده بودم البته یادداشت دکتر فاضل، وزیر اسبق بهداشت هم که در مورد اهدای عضو در روزنامه شما نوشته شده، خیلی مطلب



تأثیر گذاری بود که ما را به اهدای عضو

مشتاق تر کرد.

● با اهدای کدام اعضا موافقت کردید؟

قلب، دو کلیه، دو ریه، کبد و طحال که در مجموع هفت‌عضو است را اهدا کردیم.

● اهدای عضو چند روز بعد از حادثه انجام شد؟

۲۱ اسفند اتفاق افتاد و روز ۲۶ اسفند اهدای عضو انجام شد و روز ۲۷ اسفند مراسم خاکسپاری را انجام دادیم.

● وقتی اطرافیان تا از تصمیم شما برای اهدای عضو مطلع شدند چه واکنشی نشان دادند؟

حادثه در روز دوم اردو یعنی ۲۱ اسفند اتفاق افتاد و روز ۲۶ اسفند اهدای عضو انجام شد و روز ۲۷ اسفند مراسم خاکسپاری را انجام دادیم.

● به این اتفاق چه بود؟

از آموزش‌وپرورش پیگیر موضوع بودند ولی از آن روزی که این اتفاق افتاده کسی از مدرسه سراغ ما نپیمده حالمان را برسر پا حتی گزارش حادثه را به ما بدهند که چه بوده است.

عروسک؛ عضو چهارم باند خانوادگی سرقت

راهنده با سرعت شروع به حرکت کرد و تقریباً مسافتی بین ۳۰ تا ۴۰متر ماروای زمین کشید و همزمان سارقی که در صندلی عقب نشسته بود به پشت گردن من ضربه می‌زد تا خودرو را رها کنم در نهایت راننده ابتدا با یک عابر و در ادامه با تیر چراغ‌برق برخورد کرد و متوقف شد»

با آغاز تحقیقات از متهمان مشخص شد متهم اصلی پرونده به نام جعفر (۴۳ساله) یکی از مجرمان حرفه‌ای است که هشت فقره سابقه دستگیری به اتهام ارتکاب جرایم مختلف دارد و آخرین بار نیز در اردیبهشت سال ۹۱ دستگیر و روانه زندان شده است. دومین متهم دوم پرونده به نام ابراهیم (۱۹ساله) نیز فرزند جعفر است که همراه پدر و همسر سوم پدرش به نام ملیحه (۲۴ساله)

حادث

رخداد

تقدیم «در انتظار گودو» به خانواده سربندی

ریحانه جباری را ببخشید

● ایستنا: اجرای یکشنبه شب «در انتظار گودو» با قرائت متنی به خانواده داغدار سربندی تقدیم شد. در ایسن متن که توسط پیمان معادی در انتهای نمایش برای تماشاگران خوانده شد، گروه نمایشی «در انتظار گودو» از این خانواده داغدار طلب عفو و بخشش ریحانه جباری را کرده است. در این متن آمده است: «مرگ امر عجیبی است. میرا بودن ما عجیب است. ما همه خواهیم مرد! سال‌ها بعد، از جمع ما هیچکسی نیست تا از امروز حرفی به میان آورد. ما همه تبدیل به احساس خواهیم شد و این حس را در هوا جاری خواهیم کرد. در زمان، در دوران، و چه تلخ است اگر بگوییم، اموال این احساس بجا مانده از نسل‌های پیش از ما، بیش از آنکه دوستی و محبت و گذشت باشد، نفرت است... جنگ است... قتل است و خونریزی... انتقام است که نفس بشر را بند آورده. ما وارثان خشونت، از روی عادت، از روی قوانین نوشته و نانوشته، از روی عرف، از روی احوال بد، و از روی همه آن چیزیی که گفتنش میمان خود بخود باری بر خشونت ما بیفزاید در حال آفرینش خشونت هستیم... و وارثان خشونت دیروز، خود خشونتیی ضاعفا را برای نسل بعد به ارث می‌گذارند. ما را روی خشمم از این ارث نامیومن خشن‌تر شده‌ایم، و فاجعه این است که نسل بعد از ما و فرزندان ما، خشمگین‌تر از ما و لاجرم خشن‌تر از ما خواهند شد. قتل و انتقام... قتل و انتقام... قتل و انتقام!.. خانواده محترم سربندی ما امروز بیش از هر زمانی به بزرگ اسان‌ها و فرهیختگانی نیاز داریم تا این تسلسل و دایره‌ای که خشونت می‌زاید را قیچی کنند. ما انسان‌های بزرگی را گدایی می‌کنیم که زنجیر بین عمل کریه قتل یک انسان شریف را، از انتقام که به دروغ عملی برای آرامش بارمزدگان معرفی شده است را پاره کنند وگرنه جامعه ما از این همه خون و مرگ که محاصره‌اش کرده به آغوش چه کسانی باید پناه ببرد؟ خانواده محترم سربندی ریحانه جباری را ببخشید نه برای آنکه اعتقاد بر این است که او گناه کار است یا بی‌گناه، نه بخاطر آنکه او در عمل شنیع قتل تعدد نداشته یا نداشته نه... او را ببخشید چون این جامعه حالش روز به روز دارد بدتر می‌شود و خشونت و قتل را هر روز بیشتر از دیروز دارد قی می‌کند.

جامعه خشمگین ما! جامعه‌ای که ما دوربین‌های موبایلش می‌تواند بارها و بارها جان دادن انسانی را کف خیابان به تماشا بنشیند، جامعه‌ای که مراسم اعماش می‌تواند جمعیتی به مراتب بیشتر از یک مراسم سرور و شادی را در ساعت پنج صبح به خیابان بکشد، تا تماشا کنند پسرک اعدامی را که از فرط بی‌کسی و تنهایی در مقابل این همه چشم مشتاق، چگونه برای گریستن سر به شاه‌های جلادش گذاشته است... جامعه‌ای که آدم‌هایش برای هر امر کوچکی می‌توانند دشنه در قلب هم فرو کنند و درین از فرط تکرار عادی جلوه می‌کنند؛ نیاز دارد... نیاز دارد... نیاز دارد تا انسان‌های شریف و بزرگی ظهور کنند و بخشین را از امری ناممکن و محال به امری ممکن بدل کنند... خانواده محترم سربندی، خانواده داغدار و محترم سربندی... قصاص حق شماس... ولی این جامعه نیاز دارد که ببخشید! ما ببخشید! تا راهچون کوپر نشناسی، که آب طلب می‌کند نیاز داریم... ما همه آرزو می‌کنیم تاریخ ما ثبت کند که خانواده سربندی از قشقتان گذشتند تا تلاشی کرده باشند برای جامعه خشن‌نیزده ایران امروز محبت و بخشش را به ارث بگذارند.

ایسن امر می‌تواند به‌جای یک پایان برای ریحانه جباری، یک شروع برای جامعه بیمار ما باشد... چراکه ما همه تبدیل به احساس خواهیم شد و ایسن حس را در هوا جاری خواهیم کرد، در زمان... در دوران... با احترام این اجرا را تقدیم می‌کنیم به خانواده داغدار سربندی»

نجات نوزاد ۱۱ ماهه

از توهماث پدر شیشه‌ای

● پلیس خبر: نوزادی ۱۱ ماهه که به دلیل توهماث شیطانی پدر شیشه‌ای خود در بیابان‌های شهرستان خنداب استان مرکزی رها شده بود، از مرگ حتمی نجات یافت. مأموران شهرستان خنداب روز یکشنبه برای پیگیری دستوری قضایی به خانه یکی از شهروندان رفتند و همسر متهم اظهار کرد شوهرش در منزل نیست و بعد از مصرف شیشه همراه نوزاد ۱۱ ماهه خود منزل را ترک کرده است. سرهنگ «جعفر شمس بیرانوند»، فرمانده انتظامی خنداب در این‌باره گفت: با تحقیقات صورت گرفته، متهم در یکی از محلات روستا شناسایی و دستگیر شد ولی خبری از نوزاد ۱۱ ماهه وی نبود. وی ادامه داد: با توجه به وضعیت اعتیاد متهم و وجود علایم مصرف شیشه و گفته‌ها و پراکنده‌گویی‌های وی و اعلام بی‌اطلاعی از وجود نوزاد، مأموران انتظامی به موضوع ظنین شدند و تحقیقات برای یافتن نوزاد در دستور کار قرار گرفت. بیرانوند اضافه کرد: با توجه به تحقیقات پلیس در گفته‌های متهم مشخص شد وی با توجه به اثرات مصرف شیشه دچار توهم شده و با گمان اینکه فرزندش نوزاد شیطان است، او را در بیابان و نقطه‌ای نامعلوم رها کرده است. فرمانده انتظامی شهرستان خنداب با اشاره به بسیج تیم‌های گشتی برای یافتن نوزاد تصریح کرد: باتوجه به اهمیت موضوع چندین تیم گشتنی برای یافتن موضوع به محل اعزام شدند و بعد از ساعاتی نوزاد گریان در داخل کاپشن مشکی در نزدیکی مسیر رودخانه‌ای پیدا و تحویل مادرش شد.

سرهنگ گزافی، رییس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: «با توجه به اعترافات صریح متهمان به ده‌ها فقره سرقت مشابه در شهرهای مختلف از شهروندان به‌ویژه مغازه‌دارانی که به این شیوه مورد سرقت قرار گرفته‌اند دعوت می‌شود برای شناسایی متهمان و طرح و پیگیری شکایات خود به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در خیابان وحدت اسلامی مراجعه‌کنند.»

در سرقت‌ها شرکت می‌کرد. در ادامه تحقیقات مشخص شد جعفر و ملیحه، به مصرف موادمخدر از نوع شیشه اعتیاد دارند. متهمان در بازجویی‌ها ضمن اعتراف صریح به سرقت‌های مشابه در شهرهای مختلف به‌ویژه تهران و کرج، در خصوص شیوه و شگرد سرقت‌های خود گفتند: «به بهانه خرید داخل مغازه‌ها می‌رفتیم، اجناس را داخل خودرو منتقل می‌کردیم و پس از پاشیدن اسپری به صورت مغازه‌دار، از محل متواری می‌شدیم.»

سرهنگ گزافی، رییس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: «با توجه به اعترافات صریح متهمان به ده‌ها فقره سرقت مشابه در شهرهای مختلف از شهروندان به‌ویژه مغازه‌دارانی که به این شیوه مورد سرقت قرار گرفته‌اند دعوت می‌شود برای شناسایی متهمان و طرح و پیگیری شکایات خود به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در خیابان وحدت اسلامی مراجعه‌کنند.»

گذشت از مردی که برادرزش را کشت

افتاد تازه فهمیدم چه کردم! بلافاصله او را به بیمارستان رساندیم فایده‌ای نداشت و او فوت شد. من خیلی رامین را دوست داشتمم خدوم هم راضی به مجازات بودم وقتی مادر همسر م درخواست قصاصی کرد من دیگر تلاشی برای رضایت نکردم. بعد از اینکه حکم تأیید شد و به مرحله اجرا رسید متوجه شدم مادر منم گذشت کرده است.

متهم گفت: من دو فرزند دارم که حالا نوجوانانی ۱۷ و ۱۸ساله هستند و در سن بدی قرار دارند آنها در این مدت خیلی آسیب دیدند و وضعیت بدی دارند. منم در پاسخ به این سوال که اگر از زندان آزاد شود آیا دوباره دست به کارهای خطا خواهد زد گفت: این کار را نمی‌کنم هشت‌سال است که در زندان روزهای سختی را می‌گذرانم و مدت‌ها حتی فرزندانم را هم نمی‌دیدم خانواده‌ام از هم پاشیده و توان سنگینی به خاطر یک لحظه عصبانیت پرداخت کردم و خیلی شرمنده هستم. در این مدت اگر می‌توانستم کار کنم و پول جمع کنم بچه‌هایم سزوتش بهتری داشتند. خواهش می‌کنم به من فرصت دهید تا از این به بعد بتوانم زندگی‌ام را درست و این سال‌ها باخته را جبران کنم. در زندان هم زندانی خوبی بودم به کسی آسیبیی وارد نمی‌کردم و از زندانیانی بودم که وکیل بدل مسوولان زندان همیشه از عملکردم راضی بودند. حالا که مادر منم حاضر به گذشتش شده و وضعیت زندگی‌ام تغییر کرده و می‌توانم به زندگی فکر کنم فرصت دوباره را از دست نمی‌دهم من با اعدام فاصله‌ای نداشت‌م و از اینکه دوباره به زندگی بازگشتم خیلی خوشحالم.

بعد از پایان جلسه رسیدگی، هیات قضات برای صدور رای دادگاه دارو شور شدند و متهم را با توجه به اینکه هشت‌سال منظر اجرای حکم قصاص در بازداشت و در زندان به سر می‌برد، به تحمل هشت‌سال با احتساب ایام بازداشت به لحاظ جنبه عمومی جرم محکوم کردند.

پنج قاره

است. پلیس در بیانیه‌ای اعلام کرد این کشف هولناک پس از تماسی که با پلیس در این ارتباط گرفته شد، صورت گرفت. پلیس با رسیدن به محل در طبقه اول ساختمان جسد نخستین نوزاد را پیدا کرد. مأموران پلیس که حکم بازرسی داشتند، همه خانه را بازرسی کردند و در آنجا جسد شش نوزاد دیگر را که در جعبه‌های جداگانه گذاشته شده بود، کشف کردند.

حمله مسلحانه مرگبار به مرکز یهودیان

● ایرنا: حمله مسلحانه به مرکز مذهبی و خانه سالمندان یهودیان در ایالت کالزاس آمریکا دست‌کم سه کشته و یک زخمی بر جای گذاشت. فرد مهاجم هنگام حمله فریاد می‌زد: زنده‌ها هیتلر. برخی گزارش‌ها حکایت از دستگیری فرد مهاجم توسط پلیس دارد. جوان ۱۵ساله که در این حمله مجروح شده است به بیمارستان منتقل و گزارش شده حال وی وخیم است.

کشف جسد ۷ نوزاد کشته‌شده

● واحدمرکز۷خبر: جسد هفت نوزاد که طی ۱۰ سال به دست مادرشان کشته شدند، در خانه زن در غرب آمریکا پیدا شد. زن ۴۹ساله به اتهام قتل دستگیر شده